

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: اناهیتا اردوان
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۱۴ نومبر ۲۰۲۱



۱۹

به ادامه گذشته:

لسینوا

«لسینوا» در تفلیس به دنیا آمد. تحصیلاتش را سال ۱۹۱۵ در مسکو گذراند. سال بعد، ۱۹۱۶، به عضویت حزب درآمد و در انقلاب اکتبر، فعالانه، شرکت کرد.



پس از پیروزی انقلاب فوریه نیز در فعالیت شوراها و سازماندهی اتحادیه کارگری جوانان انترناسیونال سوم، شرکت کرد. در روزهای سرنوشت ساز انقلاب اکتبر به کمیته انقلابی - نظامی معرفی شد و در ۱۴ نوامبر همان سال در حین انجام مأموریت مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و جاودانه گشت.

لوسی پارسون

- «زنان برده بردگانند. آنان افزونتر از مردان مورد استثمار قرار میگیرند»
«هرگز فریب نخورید و باور نکنید که سرمایه داران به شما اجازه خواهند داد با توسل به رأی، ثروتمندان را از آنان بگیرد».
«لوسی پارسون» (۱۹۴۲-۱۸۵۳)، مظهر هفتاد سال مبارزه علیه تبعیض طبقاتی و حمایت سرسختانه از منافع طبقه کارگر است. سال ۱۸۵۳ در ایالت تگزاس آمریکا، در عصر جنگهای داخلی، از پدر و مادری برده به دنیا آمد. سال ۱۸۷۰، با «آلبرت پارسون» آشنا شد و با او ازدواج کرد. ازدواج آنان به دلیل مشکلات قانونی پیرامون ازدواج نژادهای گوناگون با یکدیگر، هرگز شکل قانونی به خود نگرفت. آن دو به دلیل فعالیتهای سیاسی، در سال ۱۸۷۳، مجبور به ترک تگزاس شدند و در شیکاگو سکونت گزیدند. بدین ترتیب، آلبرت پارسون به عنوان کارگر در «شیکاگو تایمز» استخدام شد. بحران اقتصادی میلیونها نفر را بیکار کرده بود و زندگی، برای طبقه کارگر آمریکا، بویژه در شهرهای صنعتی مانند شیکاگو، بسیار دشوار می گذشت. از دیگر سو، کارگران آمریکایی شدیداً تحت تأثیر افکار آنارشستی و سوسیالیستی بودند. دولت آمریکا با تصویب قانونی به شرکتهای اجازه داده بود که از نیروی کار کشورهای دیگر در شکل استخدام کارگران مهاجر، استفاده کند. این مسأله باعث می شد که کارفرمایان به سهولت دستمزد کارگران را

تتزل دهند. زمانیکه آلبرت پارسون به دلیل سازماندهی و شرکت در بسیاری از اعتصابات کارگری از مشاغل متعددی توسط صاحبان سرمایه، اخراج شد، لوسی پارسون در بسیاری از انتشارات رادیکال، از جمله، «سوسیالیست و اخطار»، فعالیت داشت. او و آلبرت پارسون از اعضای «شوالیه کارگران» و «حزب سوسیال دموکرات» بودند. سپس، لوسی پارسون، اتحادیه زنان کارگر را ایجاد کرد و به یاری آلبرت پارسون، موفق شد انجمن محلی بین المللی آنارشیستها را تشکیل دهد.

لوسی پارسون مقالات بی شماری پیرامون مسائل کارگری و اجتماعی انتشار داد و از استعداد بی نظیری در سخنوری برخوردار بود. از اینرو، پلیس لوسی پارسون را از هزاران آشوبگر، خطرناکتر بشمار می آورد.

لوسی پارسون بی عدالتی اجتماعی را برآمد سیاستهای سیستم بحران زا و بحران زی سرمایه داری می دانست که تمامی ابزار تولید و ثروت را در انحصار گرفته است. راه رهایی از استعمار و استثمار شدید نیروی کار را نیز در براندازی سیستم سرمایه داری و سیادت طبقه کارگر و تضاد بین کار و سرمایه را آشتی ناپذیر می دانست. بنابراین، بر مبارزه قهرآمیز تأکید می ورزید. وی شعار میداد: «زمین به آنانی تعلق دارد که روی آن کار می کنند. ابزار کار به زحمتکشان و تولید به تولیدکنندگان، تعلق دارد».

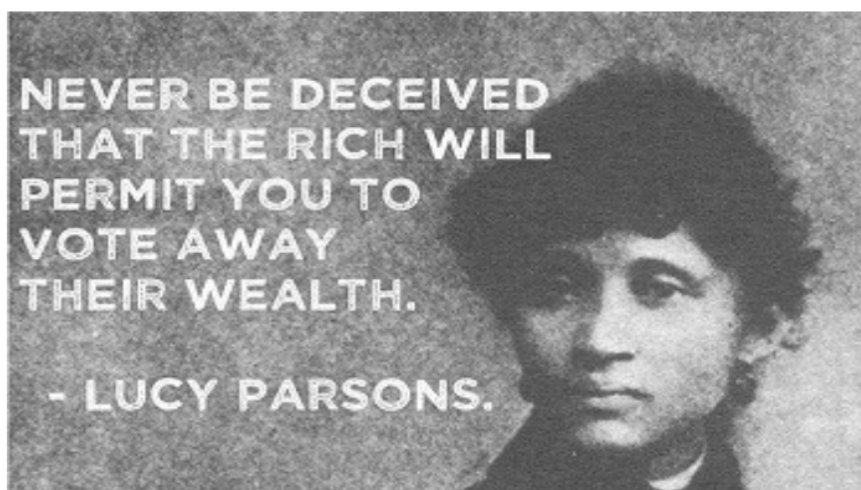
او سرسختانه باور داشت که بدون تحقق چنین حقوقی، سعادت، رهایی و زندگی بشر موضوعی مضحک و پوچ است. از اینرو، قهر انقلابی زحمتکشان برای نیل به حقوق بنیادین بشر و نفی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را قبول داشت.

لوسی پارسون، در سال ۱۸۸۶، سرسختانه با جنبش کارگری همکاری کرد. در رویداد میدانهای مارکت شیکاگو، چندین فعال کارگری دستگیر و بدون

مدرک کافی به مرگ محکوم شدند. رفیق و همسر لوسی پارسون، «آلبرت پارسون» در میان محکومان بود. با صدور حکم اعدام، لوسی پارسون تلاش بی وقفه ای را جهت جلوگیری از اجرای حکم اعدام رفیق و همسرش، آغاز کرد. ولی موفق نگردید. آلبرت پارسون به همراه چند تن دیگر از فعالان کارگری در یازده نوامبر سال ۱۸۸۷، اعدام شد. لوسی پارسون پس از اعدام آلبرت پارسون، با گرامی داشت یاد و خاطره رفیق و همسرش به مبارزه ادامه داد و ماهنامه انقلابی - کمونیستی موسوم به «آزادی»، را بنیان نهاد. حمایت از آزادی بیان و حقوق زندانیان سیاسی از جنبه های مهم و ارزشمند فعالیت لوسی پارسون که از بنیانگذاران سازمان کارگران صنعتی جهان نیز بود، بشمار می آید.



بعد از بحران اقتصادی سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹، مطالب زیادی پیرامون معضل بیکاری و گرسنگی، نوشت. «راهپیمایی گرسنگان» در سال ۱۹۱۵، که سبب عقب نشینی دولت گشت، توسط لوسی پارسون، سازماندهی و برگزار شد. مضاف بر این، ویراستاری نشریه «آزادیبخش»، که توسط کارگران صنعتی جهان در سال ۱۹۰۵ در شیکاگو انتشار می یافت را بر عهده داشت و بسیاری از اعتصابات کارگری در سان فرانسیسکو و دیگر مناطق آمریکا را سازماندهی و رهبری کرد. سال ۱۹۲۵، به حزب کمونیست پیوست و از سال ۱۹۳۹ به عنوان یک کمونیست برای ارتقاء آگاهی طبقه کارگر در راستای تحقق انقلاب سوسیالیستی، فعالیت می کرد.



لوسی پارسون سراسر زندگی به آرمانهای سوسیالیسم ایمان داشت و علیه نظام سرمایه داری مبارزه کرد. سالهای پس از جنگ، به رغم مشکل بینایی، به طور تمام وقت با حزب کمونیست همکاری میکرد و تا ماههای آخر زندگی، دست از مبارزه نکشید. دفاع از منافع طبقه کارگر و زحمتکشان، اولویت قائل شدن برای آن در تجزیه و تحلیل مسائل جزئی لاینفک از اسلوب و راه و روش این مبارز پیگیر و جدی است که هرگز پیرامون اصل اساسی، آشتی ناپذیری تضاد بین کار و سرمایه، تجدید نظر نکرد. در هفتم ماه مارس سال ۱۹۴۲، در سن ۸۹ سالگی، در فاجعه آتش سوزی خانه یی، دیده از جهان فروبست و خاکسترش در بنای یادبود جانباختگان میدانهای مارکت شیکاگو؛ در جوار همسر و همزمش، دفن شد.

بیش از ۱۵۰۰ کتاب و مقاله به قلم وی پیرامون سوسیالیسم، جنبش کارگری و مسائل زنان، به طور اسرارآمیزی از کتابخانه وی به سرقت رفت. «اف. بی. آی» و پلیس دولت آمریکا بی تردید، در این سرقت دست داشتند. ولی، هرگز به این عمل ددمنشانه و شرم آور، اعتراف نکردند.

ادامه دارد